



نقش برنامه و کتاب درسی جغرافیای دوره متوسطه در

برداشت غرب از اسلام، نمونه موردی کشور آلمان

۱. اسماعیل نصرآبادی^۱

چکیده

هر چند عده‌ای نگاه امروز اروپائیان و غربیان به اسلام را به برداشت نادرست باستانی از اسلام و یا عملکرد داعش، نگاه سلفی‌گری، گروه‌های تکفیری و رسانه‌ها منحصر می‌کنند؛ اما به نظر، در کنار این عوامل کیفیت نامطلوب و کمیت اندک پرداختن به موضوع اسلام در برنامه درسی و کتاب‌های درسی مدارس کشورهای اروپایی از اهمیت زیادی در شکل‌گیری این نوع برداشت از اسلام برخوردار بوده است. به همین جهت، این مطالعه به دنبال پاسخ به این سؤال است که چه تصویرکمی و کیفی از اسلام در متون و برنامه درسی جغرافیای مدارس آلمان ارائه می‌شود. نتایج این مطالعه، نشان می‌دهد که در برنامه درسی و کتاب‌های درسی جغرافیا، گستره‌ی جغرافیایی اسلام عموماً محدود به نواحی مجاور اروپا و خاورمیانه شده است و از اسلام بیش‌تر به عنوان یک نیروی سازنده محیطی منحصر به شرق دنیا یاد شده است. به علاوه، موضوعات مربوط به اسلام محدود به جنبه‌ی اقتصادی و یا محیطی بوده و به شکلی بسیار قاعده‌مند و فرموله ارائه شده است؛ ارائه چنین اطلاعات و مفاهیم پراکنده‌ای از دینی الهی که برای تمامی ابعاد، شئون و زوایای زندگی انسان برنامه و راه حل ارائه کرده و اثرگذار بوده است. منجر به شکل‌گیری تصویری گنگ، مبهم و چه بسا درکی نادرست و ناقص از اسلام و مسلمانان شده است.

کلیدواژگان: اسلام، آموزش جغرافیا، غرب، برنامه درسی.

۱. مقدمه

علاوه بر ایده‌ای که اسلام و مسلمانان را منحصرأ با جنگ‌های دوره عثمانی، حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر، ایده‌ی ناسازگاری بین غرب و اسلام نویسندگانی مانند برنارد لوئیس و ساموئل هانتینگتون، ایده «دگرسازی» جهت تبیین هویت و تمایز بخشی میان «ما» و «دیگری»^۲ از کارال اشمیت (اشرف نظری، ۱۳۸۷: ۳۲۰) معرفی می‌کند و عموماً توسط رسانه‌های وابسته به نظام صهیونیستی و امپریالیستی مطرح و پر و بال داده می‌شود و توسط اقلیت‌های تندرو و رسانه‌های پیرو و

تابع به صورت آگاهانه و گاهاً ناآگاهانه دنبال می‌شود متأسفانه نظام و برنامه درسی مدارس کشورهای اروپایی هم به صورت بایسته و شایسته اسلام و جایگاه آن را معرفی نکرده‌اند؛ به نظر این عدم کفایت برنامه درسی و محتویات کتب درسی از جهت کمی و کیفی نیز از عوامل القاء نگاه و برداشت گنگ و نادرست از اسلام به ویژه در میان نسل آینده محسوب می‌شود. مجموع این عوامل باعث شده برخی دانشجویان تحت تأثیر این عوامل تنفر از اسلام را فکر درستی دانسته و حتی به امید تنفر بیش‌تر از مسلمانان در سر برخی کلاس‌های درس حاضر شوند در حالی که اگر اسلام از طریق رسوم و سنن خود تفسیر شود؛ و نه از طریق تعصب تاریخی غرب، مردم فهم بهتری از اسلام خواهند داشت و اسلام را خواهند ستود(مورانا، ۱۳۷۷: ۱۰۶).

دلایل توجه و نگاه ویژه‌ی اروپائیان به اسلام را بایستی در عوامل زیر جستجو کرد؛ نخست تعداد جمعیت و تاریخ ورود مسلمانان به اروپا در مناطق مختلف این قاره بسیار متفاوت است به‌طور کلی در کشورهای شرق اروپا، از جمله کشورهای عضو حوزه بالکان و کشورهای شرق اروپا، به خصوص روسیه، بلغارستان، آلبانی، بوسنی، مونته‌نگرو، قبرس، یونان و جمهوری مقدونیه که از کشورهای تازه استقلال یافته از یوگسلاوی سابق به‌شمار می‌رود اقلیت مسلمان با ریشه‌های چند صد ساله زندگی می‌کنند؛ در حالی که در غرب اروپا، جمعیت مسلمانان را بیش‌تر مهاجرانی تشکیل می‌دهند که از دهه ۱۹۶۰ میلادی به این سو به قاره سبز مهاجرت کرده‌اند. این جمعیت بیش‌تر در کشورهایی مانند فرانسه، بریتانیا، آلمان، اتریش، سوئیس، بلژیک، هلند و سوئد ساکن هستند. دوّم در بسیاری از کشورهای اروپایی، مسلمانان بزرگترین اقلیت مذهبی به‌شمار می‌آیند؛ از مجموع ۴۵۵ میلیون نفر جمعیت اروپا حدود ۱۵ میلیون آن مسلمانان هستند(سایت حج). این نسبت در کشورهای آلمان، فرانسه، اتریش و هلند بیش از سایر نقاط اروپاست به‌عنوان نمونه، در سال ۲۰۱۳ حدود ۴ میلیون مسلمان در آلمان زندگی می‌کرده‌اند. سوّم اسلام از سریع‌ترین میزان رشد در میان اقلیت‌های مذهبی برخوردار است به نظر، علت این امر را باید در تعالیم و تأکید اسلام بر افزایش جمعیت، افزایش میل افراد جدید به گرایش به اسلام در میان ادیان مطرح جهان جستجو کرد. چهارم بخش قابل توجهی از منابع انرژی دنیا در منطقه‌ی خاورمیانه در محدوده‌ی داخل مرزهای سیاسی کشورهای مسلمان قرار دارد. پنجم اگرچه هر دین و ایدئولوژی خواه اسلام و یا مسیحیت بر محیط پیرامونی خود اثر می‌گذارد و برعکس محیط فرهنگی اطراف بر برداشت از ادیان، اعمال دینی و نحوه‌ی انجام مناسک مذهبی تأثیر می‌گذارد و حتی دایره این تأثیر محدود به ادیان الهی نبوده و ادیان و ایدئولوژی‌های بشری را هم شامل می‌شود؛ اما اسلام به دلایل زیر با ادیان دیگر تفاوت داشته و از اثرات عمیق‌تر و فراگیرتری برخوردار است. نخست با توجه به ماهیت و ذات دین اسلام که تمامی شئون زندگی بشر را در بر می‌گیرد گستره اثر دین اسلام بر ابعاد زندگی فراتر از بسیاری ادیان فردی است و فرد را در جامعه و نه جدای از جامعه مدنظر دارد اگرچه فرد تنها را هم از نظر دور نداشته و بر هر دو جنبه فرد و جامعه هم به صورت فردی و هم توأمان با هم تأکید دارد. دوّم مبانی نظری و عملی اسلام در بسیاری از موارد در تضاد ماهیتی از بعد نظری و تئوری با نظام‌های سرمایه‌داری و امپریالیستی مبتنی بر استعمار و استثمار قرار دارد به‌عنوان مثال، در حالی که «ایدئولوژی جبر محیطی» توجیه‌گر برنامه‌های امپریالیستی و نژادگرایی بوده در ایدئولوژی اسلام بر برابری انسان‌ها با هر رنگ و نژادی تأکید می‌شود(نصرآبادی، ۱۳۸۹: ۶). سوّم تعالیم اسلام بر فطرت بشری منطبق است؛

عدم تحریف منابع اصلی این دین مانند قرآن موجب ایجاد کشش و جاذبه برای انسان‌های آزاده شده و این زنگ خطری برای از دست دادن پایگاه بسیاری از ادیان و ایدئولوژی‌های ساختگی است. چهارم چنین به نظر می‌رسد که مسلمانان در دهه‌های اخیر، پایبندی و تقید بیش‌تری به فرایض و مناسک مذهبی نشان می‌دهند و این خود زیربنا و علت وجودی جنبش‌های اسلامی عصر حاضر به شمار می‌آید. بسیاری از این مسلمانان، امروز پایبندی به اصول مذهبی را ارج نهاده و حتی به تظاهر بر آن فخر می‌ورزند (سعیدی، ۱۳۷۲: ۱۹۵). علاوه بر عوامل بالا، در مسیر پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا، خودنمایی اقتصاد کشورهایی مانند مالزی و گسترش حوزه نفوذ ایران و برخی کشورهای مسلمان در خارج از مرزهای سیاسی ملی برخی اروپائیان افراطی زنگ خطر اسلامی‌شدن^۳ اروپا را به صدا درآورده و به بیان نظرات منفی و ترس از هم-زیستی با ۱۵ تا ۱۶ میلیون مسلمان (در برخی تخمین‌ها تا حدود ۲۰ میلیون) پرداخته‌اند. نگاه عمومی اروپا به اسلام، مبتنی بر تعصب و سنت‌گرایی مطلق است و کم‌تر از نگاه لیبرالی و مترقی اسلام در مقایسه با فرهنگ مسیحیت در حدود ۱۰۰۰ سال قبل در زمینه‌های سیاست، علم و حتی مذهب سخن به میان آورده‌اند. اگر شناخت و درک تنوع فرهنگ‌ها را یک اصل بدانیم آموزش و تشویق دانش‌آموزان به قبول و درک فرهنگ‌های دیگران (نه همانند خودشان)، ادیان، عادات و سبک‌های زندگی دیگر به یکی از اهداف اساسی تبدیل خواهد شد. در آن صورت، در کنار تاریخ، جغرافیا به عنوان یکی از شایسته‌ترین علوم برای انتقال مفهوم تفاوت فرهنگ‌ها و ارتباطات بین سرزمین‌ها مورد توجه قرار خواهد گرفت (ساسازار و واتی، ۲۰۱۲: ۱۸۲).

با اذعان به نقش پررنگ و اثرگذار رسانه‌ها در شکل‌گیری شناخت و ایجاد شرایط موجود ناپستی از نقش دیگر مؤلفه‌های شکل دهنده‌ی فرهنگ و نگرش نسبت به اسلام غافل شد به همین جهت این مطالعه، نقش برنامه درسی و کتاب درسی جغرافیا در آموزش مفاهیم مربوط به اسلام در دوران تحصیلی دانش‌آموزان کشور آلمان را مورد توجه قرار داده است. اگرچه افزایش فزاینده مسلمانان و پراکندگی آن‌ها در مناطق مختلف و امکان ارتباط در فضاهای مجازی موجب شده دانش‌آموزان نخستین آشنایی با فرهنگ و اعتقادات مسلمانان را از این راه‌ها به دست بیاورند ولی نقش نظام تعلیم و تربیت در تأیید، تصحیح و عمق بخشیدن به نوع نگرش و برداشت از اسلام به حدی زیاد است که کم‌تر محقق‌ی منکر این اثرگذاری است. با وجود مطالعات قابل توجهی که در ارتباط با این موضوع در حوزه تاریخ و مذهب صورت گرفته اما مطالعات حوزه جغرافیا بسیار محدود بوده است. در حالی که، اگر جغرافیا را علمی که پراکندگی، افتراق و بازساخت مکانی-فضایی پدیده‌ها در ارتباط با ساختار اجتماعی-اقتصادی را تبیین می‌کند (شکویی، ۱۳۷۵: ۱۹) بدانیم بایستی با توجه به ماهیت این علم و تأکید آن بر بررسی روابط بین انسان و محیط، پراکنش فضایی پدیده‌های انسانی و عوامل و فاکتورهای شکل دهنده فضاها دارد مطالعه دین اسلام و نوع نگاه به آن به عنوان یک عامل شکل دهنده‌ی فضا با نگاهی جغرافیایی مورد توجه قرار می‌گرفته که متأسفانه چنین نشده است. چرا که شناخت صحیح ارتباط بین اثرات دین و ایدئولوژی بر فضا در ابعاد مختلف می‌تواند به شناخت جامع دین کمک کند. به همین جهت انتظار می‌رود در برنامه و کتاب‌های درسی جغرافیا مفهوم دین اسلام به درستی مورد توجه قرار گرفته و آموزش داده شود.

۱.۱. چارچوب نظری

برنامه ریزی درسی^۵ عبارت از طرحی برای یک درس، مجموعه‌ای از دروس و یا یک رشته دانشگاهی است در این تعریف برنامه درسی به عنوان سند^۶ و یا دستور کار و نقشه‌ای^۷ در نظر گرفته می‌شود که مؤلفه‌ها و اجزای مختلف یک درس، دروس یا رشته دانشگاهی را به تفصیل و به طور مستند نشان می‌دهد(دیبا واجاری، ۱۳۸۸:۱۵). برنامه درسی، محصول برنامه ریزی درسی است. برنامه درسی شامل سازماندهی یک سلسله فعالیت‌های یاددهی و یادگیری به منظور ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار یادگیرنده‌ها و ارزشیابی میزان تحقق این تغییرات است. بنابراین فرایند برنامه‌ریزی درسی شامل سازماندهی فعالیت‌ها و ارزشیابی می‌باشد و هدف آن ایجاد تغییرات مطلوب و محور آن اثرگذاری بر یادگیرنده است. از نظر فیلیپ کومز، کارشناس برجسته یونسکو، برنامه‌ریزی آموزشی «کاربرد تجزیه و تحلیل منطقی یا کاربرد روش‌های تحلیلی در نظام آموزشی و اجزای تشکیل دهنده آن است و هدفش افزایش کارایی و دست یافتن به یک نظام آموزشی کارآمد می‌باشد(شریف، ۱۳۸۰:۱۸۳). یعنی کار برنامه‌ریز آموزشی، تحلیل نظام دار و منطقی مسائل و مشکلات آنی و آتی آموزش و پرورش و تلاش به منظور حل این مشکلات است. این اقدام نهایتاً بهره‌وری و کارآیی نظام آموزشی را افزایش خواهد داد و محور آن نظام آموزشی تلقی می‌شود. برنامه‌ریزی آموزشی را می‌توان «سازماندهی یا اصلاح فعالیت‌ها، تجهیز منابع و امکانات آموزشی برای تحقق بهتر اهداف آموزشی» تعریف نمود. برنامه و کتاب درسی از اهمیت در خور توجهی در بین مواد آموزشی برخوردار است. زیرا منعکس کننده دیدگاه‌ها، نقطه نظرات و خواسته‌های پیدا و پنهان متولیان علمی و فرهنگی هر کشور بوده و منویات، خواسته‌ها و انتظارات متولیان امر و مسئولین از دانش‌آموزان را روشن می‌کند در نتیجه مطالعه آن‌ها همچون یک سند تاریخی و متقن ما را به نیات متولیان فرهنگی رهنمون می‌کند.

بررسی پیشینه‌ی تحقیق حکایت از آن دارد که مطالعه‌ی خاصی در مورد نقش برنامه و کتاب درسی جغرافیا در برداشت از اسلام در کشورهای غربی توسط پژوهشگران ایرانی صورت نگرفته؛ اما برخی مطالعات به صورت ضمنی به این موضوع اشاره داشته‌اند به عنوان نمونه، مقصودی (۱۳۹۰) چگونگی آموزش جغرافیا در آلمان را مورد بررسی قرار داده و نصرآبادی (۱۳۸۴) به بررسی برداشت آلمانی‌ها از شرق اسلامی به عنوان یک فضای جغرافیایی پرداخته است. در میان محققین خارجی زچا و پوپ^۸ (۲۰۱۴) و ساسزار و واتی^۹ (۲۰۱۲) در سال‌های اخیر به مطالعه‌ی نقش برنامه و کتاب درسی جغرافیا در برداشت مردم کشور آلمان از اسلام پرداخته‌اند که نتایج این مطالعات، در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است.

۱.۲. سؤالات پژوهش و روش‌شناسی

آیا در متون درسی جغرافیا در آلمان یک مفهوم کامل و همه جانبه از اسلام ارائه می‌شود و یا به ارائه یک لیست از موضوعات مربوط به اسلام بسنده شده است؟ آیا متون درسی به روشنی تفاوت‌های اخلاقی، فرهنگی و مذهبی بین سرزمین‌های اسلامی و اروپا را مشخص می‌کنند؟

در این مطالعه با روش کتابخانه‌ای و با بررسی مقالات و متون موجود موضوع آموزش اسلام در کتاب و برنامه درسی به روش توصیفی- تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است و سپس با استفاده از یافته‌های این مطالعات آموزش جغرافیا در مدارس آلمان ارزیابی شده است.

۲. بحث

اگرچه با توجه به نظام غیر متمرکز آموزش در اکثر کشورهای اروپایی و تفاوت در ساختار آموزشی مناطق مختلف این قاره ارائه یک الگوی آموزشی یکسان ممکن نیست اما به بیان یک سری ویژگی‌های کلی نظام آموزشی آلمان در برخی ایالت- های پرداخته می‌شود. آلمان دومین کشور وسیع اروپا، صنعتی‌ترین کشور اروپا و سومین اقتصاد برتر جهان با یک نظام آموزش غیر متمرکز اداره می‌شود که مسئولیت آموزش را بر عهده ایالت‌ها نهاده و دولت فدرال در این فرآیند نقشی اندک و صرفاً در حوزه راهبردی و سیاست‌گذاری دارد. دوره پیش دبستانی به صورت اختیاری ۳ تا ۶ سالگی و دوره ابتدایی سن ۶ تا ۱۰ یا ۱۲ سالگی را در بر می‌گیرد. آموزش مرحله اول متوسطه (میت لروشولا سچلوب) در سه نوع مدرسه هایت شوله^{۱۱}، رال شوله^{۱۲} و گیمنازیوم^{۱۳} برای دانش آموزان سنین ۱۰ تا ۱۵ یا ۱۶ ساله صورت می‌گیرد و به دانش آموزان، جغرافیا به عنوان یک درس مستقل آموزش داده می‌شود.

جدول ۱- نمونه‌ی جدول درسی یک مدرسه‌ی گیمنازیوم در ایالت باواریا در آلمان

زمان	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنج‌شنبه	جمعه
۸-۸/۴۵ صبح	لاتین	زیست‌شناسی	آموزش خواندن	ریاضیات	زیست‌شناسی
۹/۳۰-۸/۴۵ صبح	آلمانی	فیزیک	آموزش خواندن	سیاست- اقتصاد	ابزارشناسی
۹/۳۵-۱۰/۵۰ صبح	انگلیسی	انگلیسی	سیاست- اقتصاد	تربیت بدنی	شیمی
۱۱/۲۰-۱۰/۳۵ صبح	تاریخ	لاتین	ریاضیات	تربیت بدنی	موسیقی
۱۱/۳۰-۱۲/۱۵ بعد از ظهر	هنر	علوم اجتماعی	لاتین	جغرافیا	انگلیسی
۱-۱۲/۱۵ بعد از ظهر	هنر	ریاضیات	انگلیسی	آلمانی	آلمانی
۲-۲/۴۵ بعد از ظهر	شیمی	-	-	فیزیک	-
۳/۳۰-۲/۴۵ بعد از ظهر	جغرافیا	-	-	لاتین	-
۴/۱۵-۳/۳۰ بعد از ظهر	موسیقی	-	-	لاتین(واحد اضافی)	-
۵-۴/۱۵ بعد از ظهر	ریاضی(واحد اضافی)	-	-	-	-

مدارس گیمنازیوم برای آماده سازی دانش آموزان برای تحصیلات تکمیلی طراحی شده و تقریباً معادل دبیرستان نظری در ایران محسوب می شود در مدارس رال شوله دانش آموزان با سطح متوسط هوشی قرار دارند و مدارس هایت شوله وظیفه آماده سازی دانش آموزان برای آموزش حرفه ای را بر عهده دارند. آموزش جغرافیا در مدارس متوسطه نظری در طول ۳۶ تا ۴۰ هفته و در هر هفته به میزان ۴۵ دقیقه از سال ۲۰۰۷ به ایالت ها برای آموزش ابلاغ شده است (مقصودی، ۱۳۹۰: ۵). جدول ۱ برنامه درسی یک مدرسه ی گیمنازیوم در ایالت باواریا را نشان می دهد؛ البته در ایالت های مختلف این جدول ممکن است مقداری تغییر کند.

بر اساس مطالعات زچا و پوپ (۲۰۱۴) در برنامه درسی مدارس دوره دوم رال شوله ایالت باواریای آلمان در بعد از جنگ جهانی دوم موضوع اسلام برای نخستین بار در ۱۹۷۷ در برنامه درسی مطرح شده و اسلام در ارتباط با بهره سرمایه در محدوده ی جغرافیایی شرق نزدیک مطرح شده است. نویسندگان برنامه درسی در سال ۱۹۸۳ در مورد خاورمیانه از بهره سرمایه آما نه از ارتباط آن با اسلام سخن رانده اند در این دو دوره ی تحصیلی، به اسلام به عنوان یک دین و اثرات فرهنگ اسلامی بر محیط فیزیکی ارجاعی داده نشده است. موضوع اسلام به عنوان یک دین و فاکتور فرهنگی در برنامه درسی در سال ۱۹۹۳ دوباره مطرح می شود. نویسندگان از اسلام به عنوان یک دین و اثرات فرهنگی آن سخن می گویند و در مسئله فلسطین / اسرائیل بحث اسلام را به عنوان یک فاکتور سیاسی مطرح می کنند. نویسندگان از ترکیه به عنوان همسایه آلمان یاد می کنند که کمی عجیب است چرا که ترکیه همسایه آلمان نیست. در برنامه درسی سال ۲۰۰۷ نویسندگان از «اسلام به عنوان یک فاکتور شکل دهنده^{۱۴}» سخن می گویند و ذکر قابل توجهی از اسلام به عنوان یک دین (مذهب) ندارند اما به طور ویژه بر شهرهای باستانی شرقی و نقش زنان تأکید کرده و به طور غیرمستقیم بین جنبه های دینی و فرهنگی و همچنین بین چشم اندازهای دینی و فرهنگی تمایز قائل شده اند توجه آن ها به نواحی شرق و ترکیه (ترکیه پل بین اروپا و شرق و ترک ها در آلمان و آلمان ها در ترکیه^{۱۵}) معطوف بوده است. دو تم جدید نقش زنان در فرهنگ اسلامی و مسلمانان در آلمان وارد برنامه درسی می شود و در عوض اسلام به عنوان یک فاکتور سیاسی در شرق نزدیک حذف می شود (زچا و پوپ، ۲۰۱۴: ۳۴).

بررسی کمی برنامه درسی مدارس دوره دوم گیمنازیوم ایالت باواریای آلمان در بعد از جنگ جهانی دوم نشان می دهد موضوع اسلام برای نخستین بار در ۱۹۷۹ مطرح شده است. در متون درسی در مورد نواحی که شما ممکن است اسلام را پیدا کنید و عناصر ویژه شهرهای شرقی در مقایسه با شهرهای اروپایی بحث می شود و نویسندگان از اسلام به عنوان یک فاکتور سیاسی یاد می کنند. نویسندگان متون درسی در سال ۱۹۸۵ در مورد نواحی فرهنگی شرق نزدیک (و میانه) سخن می گویند اما ذکری از اسلام یا تأثیر اسلام بر محیط به میان نمی آورند. در برنامه درسی در سال ۱۹۹۰ از مفهوم اسلام در ارتباط با عناصر شهرهای اسلامی و از نواحی شرق نزدیک (و میانه) سخن به میان می آید. در برنامه درسی در سال ۲۰۰۶ به صورت ویژه از نواحی فرهنگی تحت تأثیر اسلام به عنوان نواحی منازعات سیاسی جهان یاد شده و بین جنبه های فرهنگی و دینی تمایز قائل می شوند و به عناصر یک شهر شرقی از منظر فرهنگی در برنامه درسی نگریسته شده و برای نخستین بار از نواحی شمال آفریقا و شرق نزدیک و میانه به عنوان گستره ی جغرافیایی اسلام یاد می شود.

بررسی تم کتاب‌ها حکایت از آن دارد که در بیش‌تر کتاب‌ها به موضوع اسلام در حد تعریف یکسری اصطلاحات بسنده شده است. روشن است که شناختی که از تعریف یکسری اصطلاحات حاصل می‌شود نه عمیق و نه مفهومی است. در مورد موقعیت ژئواستراتژیک کشورهای اسلامی بحث‌ها مختصر و سطحی است و به اهمیت این موضوع در جایگاه و روابط ملی و فراملی کشورها اشاره‌ای نشده است. (ساسزار و واتی، ۲۰۱۲: ۱۸۴). یکی از نکات سؤال برانگیز اطلاعات مختصری است که در مورد نسبت اجتماعی نواحی در متن کتب درسی وجود دارد. متاسفانه در این کتب هیچ ذکری از تمایزات فرهنگی، مذهبی و اخلاقی بالغ بر یک میلیارد و دویست میلیون پیرو حضرت محمد(ص) به میان نمی‌آید.

۳. نتیجه‌گیری

مطالعه موضوع اسلام و فرهنگ اسلامی که از حدود دهه ۱۹۷۰ در آلمان برای دانش‌آموزان با سن حدود ۱۴ سال شروع شده در بیش‌تر دوره‌های تحصیلی دارای محتویات کوتاه بوده و خیلی مفید فایده دانش آموز و معلم نیست. محتویات موضوع در بیش‌تر مدارس کم و بیش همانند برنامه درسی مدارس گیمنازیوم است. در بیش‌تر متون درسی، اسلام به عنوان یگانه نیروی شکل دهنده‌ی محیطی و فرهنگی به شرق نزدیک و میانه محدود شده است بنابراین ممکن است این تصور نادرست به وجود بیاید که اسلام تنها دین این نواحی است این در حالی است که نزدیک به نیمی از جمعیت لبنان را مسیحیان تشکیل می‌دهند به علاوه، چون از ملل مسلمانی مانند پاکستان، اندونزی، مالزی و ... ذکری به میان نیامده به تصویری نادرست از گستره جغرافیایی اسلام منجر خواهد شد. موضوعات جدیدی مانند نقش زنان در فرهنگ اسلامی در برنامه درسی مدارس رال شوله خودنمایی می‌کند. جنبه دیگر پیوستگی زیاد بین دین اسلام و ترک‌ها در آلمان است موضوعی که اگرچه تا حدودی با واقعیت زندگی روزمره دانش‌آموزان آلمان به آن جهت که بیش‌تر مسلمانان آلمان از ترکیه هستند سنخیت دارد اما توجه بیش از حد به آن، بر نقش مسلمانان با زبان‌های دیگر سایه افکنده است. در مجموع موجز بودن محتویات درسی جغرافیا در موضوع اسلام، فرموله شدن بیش از حد موضوعات و پراکندگی اطلاعات موجب شکل‌گیری درکی ناقص و گاه نادرست از اسلام را فراهم کرده است. بنابراین برای تحقق درکی صحیح بایستی در برنامه‌ریزی دوره‌های تحصیلی آینده موضوع اسلام با وضوح و جزئیات بیش‌تر مورد توجه قرار گیرد؛ به عنوان نمونه، در برنامه درسی جغرافیا در دوره‌ی تحصیلی متوسطه اسلام همچون یک مذهب مطرح است و نویسندگان کتاب‌های مذکور از مذاهب اسلامی سخنی به میان نمی‌آورند در حالی که این موضوعی مهم و در خور توجه است. در متون درسی جغرافیا تصویر اسلام بیش‌تر به اصطلاحات اقتصادی محدود شده و جنبه‌های ایدئولوژیکی، اعتقادی، جمعیتی و تمایزات فرهنگی کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است. در این متون اطلاعات کافی در مورد تمایزات اخلاقی، ایدئولوژیکی، مذهبی و فرهنگی اسلام با دیگر ادیان ارائه نمی‌شود. متون درسی به جای نمایش نگرش‌های عاطفی جذاب مربوط به دنیای اسلام بر نگرش‌های خنثی و بی‌اثر تأکید دارد.

در بسیاری از متون درسی به جای ارائه تصویری ترکیبی و کامل از اسلام، به ویژگی‌های طبیعی خاص گستره این دین مانند بیابان و ویژگی‌های گیاهی و جانوری سرزمین‌های اسلامی تاکید شده است.

۴. پی‌نوشت

۲ - البته ریشه این نحوه نگرش به دیگران جهت تعریف و هویت‌یابی را می‌توان به دوران پیشامدرن نیز بازگرداند چنان که ارسطو می‌گوید «غرب؛ بی‌نظیر، متمایز، تقلید ناپذیر و کاملاً عقل‌گرا، انسان‌مدار و با فرهنگ آزاد است در حالی که تمام اهالی مشرق زمین، بدون استثنا ذاتاً برده و فرمانبردارند(دسا، ۱۹۸۷: ۳۵۰).

3 -Islamisation

4 - Császár and Vati

5 - curriculum planning or curriculum development

6 -Document

7 -Blue print

8 - Zecha and Popp

9 - Császár and Vati

۵. منابع و مآخذ

- اشرف نظری، علی(۱۳۸۷)، *غرب، هویت و اسلام سیاسی: تصورات و پنداشتهای غرب از اسلام*، فصلنامه سیاست، دوره ۳۸، شماره ۱، صص ۳۳۴-۳۱۷.

- سعیدی، عباس(۱۳۷۲)، *بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی*، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ دوم.

نقش برنامه و کتاب درسی جغرافیای دوره متوسطه در برداشت غرب از اسلام نمونه موردی کشور آلمان

- شریف، سید مصطفی (۱۳۸۰)، *رویکرد سیستمی به نظام آموزشی، برنامه‌ریزی آموزشی و برنامه‌ریزی درسی*، مجله علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، ویژه نامه علوم تربیتی و روانشناسی، صص ۱۹۴-۱۷۵.
- شکویی، حسین (۱۳۷۵)، *اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا* (جلد نخست)، چاپ نخست، انتشارات گیتا شناسی.
- دیباواجاری، طلعت (۱۳۸۸)، *مفهوم‌پردازی بین‌المللی کردن برنامه درسی در آموزش عالی؛ ابعاد و روندها*، مجله راهبردهای آموزشی، دوره ۲، شماره ۲، صص ۱۸-۱۴.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۹۰)، *آموزش جغرافیا در آلمان*، رشد آموزش جغرافیا، دوره بیست و ششم، صص ۹-۱.
- مورانا، ساجیکا (۱۳۷۷)، *آموزش اسلام و مذاهب شرقی در غرب*، ترجمه ادريس شفیعی، دانشگاه اسلامی، شماره ۷، صص ۱۰۶-۱۰۰.
- نصرآبادی، اسماعیل (۱۳۸۴)، *شرق اسلامی تبیین یک فضای جغرافیایی*، مجله پژوهش نامه وزارت آموزش و پرورش، شماره ۹۲-۹۱.
- نصرآبادی، اسماعیل (۱۳۸۹)، *جغرافیا و ایدئولوژی توحیدی*، مجله رشد آموزش جغرافیا، شماره ۹۱، صص ۹-۳.

-Császár, Z. M., Vati, T., (2012) *The Representation of Islam in the Hungarian Geography textbooks*, Review of International Geographical Education Online ©RIGEO, Volume 2, Number 2, pp.181-191.

-Dessa ,S (1987). *Political Philosophy and Orientalism: The Classical Origins of a Discourse*. Alternatives. NO 12.

-Zecha, S., and Popp, S.,(2014) *Treatment of the theme Islam in German Geographical Education*, Review of International Geographical Education Online ©RIGEO, Volume 4, Number 1,pp.26-39.

-<http://www.hajj.ir>.

10 - Lander

11 -Hauptschule

12 -Realschule

13 -Gymnasium

14 - Islam as a shaping factor

15 - Turkey – bridge between Europe and the Orient (Turks in Germany, Germans in Turkey)

